

سرمقاله

درآمدی بر

مطالعات حدیثی خاورشناسان

مقدمه

۱. پدیده خاورشناسی یا استشراف به مجموعه مطالعات غربیان نسبت به شرق اطلاق می‌گردد، خواه این مطالعات به ملیتها و اقوام برگردد یا به ادیان و آیینها؛ یعنی مطالعات ایران‌شناسی، عرب‌شناسی، هندشناسی، چین‌شناسی و ترك‌شناسی، و نیز اسلام‌شناسی، یا مطالعه ادیان و آیینهای کهن شرقی چون زرتشتی‌گری، بودیسم و ...، همه در این مقوله می‌گنجد.

ادوارد سعید در تعریف شرق‌شناسی می‌نویسد:

شرق‌شناسی به رشته‌ای اطلاق می‌شود که درباره شرق گفت‌وگو می‌کند، می‌نویسد و می‌آموزد. به عبارت دیگر، شرق‌شناسی رشته‌ای فعالیت کسی است که در خصوص شرق مطالعه می‌کند و یافته‌های خود را در اختیار دیگران می‌گذارد، یا بهتر بگوییم: شرق‌شناسی علمی است که درباره شرق قضاوت کرده و واقعیتهای آن را بررسی و تفسیر می‌کند.^۱

۱. شرق‌شناسی، شرقی که آفریده غرب است، ص ۵-۶.



۳

شروع این گونه مطالعات از سوی غریبان دقیقاً شناخته شده نیست؛ ولی می توان گفت که به صورت حقیقی، در قرن شانزدهم در اروپا شکل گرفت و در قرن هفدهم با اختصاص کرسیهایی به آموزش زبان عربی در فرانسه، انگلیس، آلمان، هلند، ایتالیا و ... آشکار گردید.^۲ مطالعات خاورشناسی، نخست به کندی پیش می رفت و با سرعت تحولات در مغرب زمین، سرعت یافت.

تدوین طبقات المستشرقین^۳ و نیز کتابشناسی خاورشناسان^۴ و تالیف چند فرهنگ،^۵ نشان دهنده گسترش این حرکت است.

۲. انگیزه مستشرقان، یکی از موضوعاتی است که نویسندگان مسلمان همیشه با تردید بدان نگریسته اند. گرچه برخی به این فعالیتها خوشبین بوده، اما بیشتر ایشان بر تردید خویش پای فشرده، از آن تلقی بدبینانه داشته اند؛ انگیزه های تبشیری، استعمار اقتصادی و سیاسی از نقطه های برجسته ای است که این نویسندگان بر آنها انگشت می نهند.^۶

۲. طبقات المستشرقین، ص ۴؛ فرهنگ خاورشناسان، ص ۱۲.

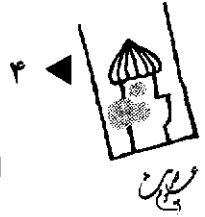
۳. طبقات المستشرقین، د. عبدالحمید صالح حمدان، دمشق: مکتبه مدبولی.

۴. کتابشناسی خاورشناسان، گروه مؤلفان و مترجمان، تهران: انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۲.

۵. به عنوان نمونه از این آثار می توان یاد کرد:

المستشرقون، نجیب الحقیقی، ۳ ج، قاهره: دارالمعارف؛ موسوعة المستشرقین، عبدالرحمن البدوی، ترجمه: شکرالله خاکرند، با عنوان: فرهنگ کامل خاورشناسان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، ترجمه: صالح طباطبایی، با عنوان: دایرة المعارف مستشرقان، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۷۷؛ فرهنگ خاورشناسان، ابوالقاسم سحاب، تهران: سحاب کتاب؛ فرهنگ خاورشناسان، گروه مؤلفان و مترجمان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶؛ فرهنگ اسلام شناسان خارجی، حسین عبداللهی خوروش، مطهر، ۱۳۶۲؛ مستشرقون (سیاسیون، جامعیون، مجمعیون)، نذیر حمدان، الطائف: مکتبه الصدیق، ۱۴۰۸/ق/۱۹۸۸ م.

۶. فرهنگ کامل خاورشناسان، ص ۴-۵، دایرة المعارف مستشرقان، ص ۱۳؛ فرهنگ کامل خاورشناسان، ص ۱۳؛ المستشرقون، د. عابد بن محمد السفیانی، ص ۱؛ محاکمه گلذویهر صهیونیست، محمد غزالی، ترجمه صدر بلاغی، ص ۵-۱۹.



انگیزه‌ها هر چه باشد، نمی‌توان این پدیده را نادیده انگاشت و با برچسب هدف نادرست به تحلیل و پژوهش درباره آن پرداخت؛ زیرا اولاً نمی‌توان همه را متهم ساخت و کنجکاو‌یهای علمی انسانها را به هیچ انگاشت؛ گذشته از آنکه باید در آنها نگرینست، پرسشها را تحلیل کرد و پاسخ گفت و از پژوهشهای عالمانه آنان سود بُرد.

روشن است آن کسی که در فضای بدون تعلق و آزاد می‌اندیشد، با بسیاری از ابهامات مواجه شود و بر مسائل بسیاری خرده گیرد؛ چنانکه اگر ما نیز به مطالعه فرهنگ و آیینهای دیگر پردازیم، همین گونه رفتار خواهیم کرد.

۳. مطالعات خاورشناسان در حوزه اسلام، ابعادی گسترده دارد که از میان آنها به قرآن، حدیث، زن، تاریخ اسلام، فقه، فلسفه و ... می‌توان اشاره کرد.

ایشان در هر زمینه آثار فراوانی منتشر ساخته و آن آثار، بازتابهای گسترده‌ای در بین مسلمانان داشته و مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است.

حدیث و روایت، دومین عرصه مطالعات اسلام شناسی خاورشناسان از نظر جایگاه و اهمیت به شمار می‌رود؛ چرا که دومین منبع دین شناسی است و فقه، زن و تاریخ اسلام نیز تا اندازه زیادی ریشه در آن دارد.

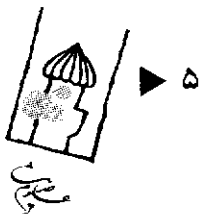
متأسفانه این گونه مباحث و نقد و تحلیلها تا کنون به حوزه ادبیات فارسی راه نیافته است؛ اما در آثار عربی ظهور و بروز تا حدی چشمگیر دارد، چه تأثیرپذیری مسلمانان عرب و چه مقابله و رویارویی آنان.

این نوشتار در صدد است تا دورنمایی از فعالیتهای انجام یافته، شخصیتها و مسئله‌ها به دست دهد، بدان امید که محققان و پژوهشگران شیعی و ایرانی به سرچشمه تفکرات و اندیشه‌های خاورشناسان - که به صورت غیرمستقیم در فرهنگ و اندیشه ایرانی وارد می‌شود - رو کرده و آنها را مورد نقد و تحلیل قرار دهند.

برپایه آنچه گفته شد، مباحث این مقاله در دو بخش پی گرفته می‌شود:

۱. منبع شناسی توصیفی،

۲. مسئله شناسی.



یک. منبع‌شناسی توصیفی

منابع مربوط به استشراق و حدیث در دو گروه دسته‌بندی می‌شوند: گروه اول، منابع مادر و اصلی است که توسط خاورشناسان به صورت کتاب، مقاله و پایان‌نامه تألیف شده است.

منابع گروه دوم، نوشته‌هایی است که درباره گروه اول تدوین شده و به تجزیه و تحلیل، یا نقد آن می‌پردازد.

در هر یک از این دو گروه، کتاب، مقاله و پایان‌نامه جای می‌گیرد که به جهت اندک بودن، از تفکیک آن صرف نظر می‌گردد.

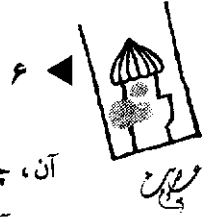
الف. منابع اصلی

برحسب تتبع و جست‌وجوی نگارنده، منابعی که مستشرقان دیدگاه خود را درباره حدیث در آنها بازگفته و سخنانی درخور بحث و بررسی در آنها مطرح ساخته‌اند، از این قرارند:

۱. مدخلهای دایرة المعارف الإسلامية،
 ۲. دراسات محمدية، ج ۲، گلدزیهر،
 ۳. العقيدة والشريعة، گلدزیهر،
 ۴. اصول الشريعة المحمدية، جوزف شاخت،
 ۵. الاحاديث القدسية والاحاديث النبوية في الإسلام المحمدية، ویلیام آلبرت گراهام،
 ۶. ملاحظات نقدية عن القيمة التاريخية لأقدم ما روى السنة عن سؤل الرسول، الامير کایتانی.
- اینک گزارش توصیفی از هر یک از عناوین ارائه می‌گردد:

۱. مدخلهای دایرة المعارف الإسلامية.

این دایرة المعارف - که محصول نگارش خاورشناسان درباره حدیث است و به زبانهای انگلیسی و آلمانی ترجمه شده - در ۳۲ مجلد به زبان عربی نیز برگردانده شده و در



آن، چند مدخل از مدخلهای حدیثی موجود است، که می توان پاره ای از آرای مستشرقان را از آن استخراج کرد. این مدخلها عبارت اند از:

- الإجازة، ج ۱، ص ۴۳۳-۴۳۴؛ الأحاد، ج ۱، ص ۴۴۲-۴۴۳؛ الأصحاب، ج ۲، ص ۲۳۷-۲۳۹؛ الأصول، ج ۲، ص ۲۶۵-۲۹۰؛ الحديث الصحيح، ج ۷، ص ۳۲۰-۳۴۷؛ ج ۱۶، ص ۱۵۸-۱۵۹؛ السنة، ج ۱۲، ص ۲۸۱-۲۸۶؛ السيرة، ج ۱۲، ص ۴۳۹-۴۵۵.

در میان این مداخل، سه مدخل بحث انگیز وجود دارد که ترجمه کنندگان نیز به تعلیق و حاشیه در نقد آن پرداخته اند. در اینجا به معرفی آن مدخل پرداخته می شود:

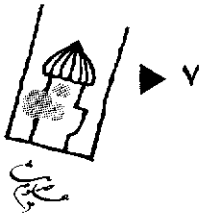
-الأصول، نوشته جوزف شاخت

این مدخل، گرچه مربوط به اصول فقه است و نویسنده، چگونگی شکل گیری دانش اصول را بیان داشته است، لیکن از آن رو که اصول در دامن فقه و فقه در دامن حدیث شکل گرفته، نویسنده الزاماً به حدیث می پردازد و دیدگاههایی را درباره آن بیان می دارد. وی آنجا که از قرآن سخن می گوید و نقش پیامبر را در کنار آن بیان می دارد، می نویسد:

و لكن في الوقت نفسه، كانت أفعاله تعتبر بشرية بحتة، حتى ما مس منها أمور الدين، فكانت بهذا لا تعتبر معصومة عن الخطأ، ونقدت هذه الأفعال أكثر من مرة، وكان الكتاب نفسه يلومه أحياناً على بعض أفعاله (سورة ۶۱، الآية ۱).^۷

بسیار روشن است که این دیدگاه نزد هیچ فرقه از مسلمانان مقبول نیست؛ گرچه در دایره عصمت از خطا اختلاف نظرهای کلامی وجود دارد.

مورد دیگری که به مسئله حدیث باز می گردد، آنجاست که وضعیت اسلام پس از پیامبر را تبیین می کند. وی در توصیف اوضاع پس از پیامبر بیان می دارد که خلفا، در ابتدا، تلاش نمودند تا مبادی ای که در قرآن و احکام پیامبر بود پیاده سازند، اما محدودیت



این منابع و گستردگی نیاز مندیها، اوضاع را به گونه ای دیگر درآورد:

ولما حاولوا بسط هذه المبادئ المحدودة نوعاً ما انتهى بهم الامر إلى التوسع في تأويلها، توسعاً خرج بها عن معناها الاصيلي، وربما كان سبباً في ظهور احاديث جديدة.^٨

و نیز درباره سنت می نویسد:

و إذا كان الجانب الاكثر من الفقه ينهض على سنة محمد (صحيحها و زائفها)، فقد اعتبر المسلمون أن السنة منزّهة عن الخطأ، و من الصعب أن نجد هذا الرأي في القرآن، و إن كان قد نص عليه صراحة في الحديث و صيغ الجزء الاكبر من نتایج هذه الافعال و الاقوال في مشكل احاديث نُسبت إلى النبي.^٩

درباره نقد متن می نویسد:

و من المهم أن تلاحظ إنهم أخفوا تقدم مادة الحديث وراء تقدمهم للإسناد نفسه.^{١٠}

گفتنی است امین الخولوی، از محققان اهل سنت، این مدخل را نقد کرده که در پاورقی دایرة المعارف الاسلامیة مندرج است و نیز به صورت مستقل در سلسله کتب دایرة المعارف الإسلامیة از سوی دارالکتاب اللبنانی بیروت در ۱۰۱ صفحه منتشر شده است.

- الحدیث، نوشته جوینبل (W.jvynball)

این مقاله - که می توان آن را عصاره دیدگاههای مستشرقان دانست - پنج مسئله را

درباره حدیث به بحث گذاشته است:

۱. تعریف حدیث و چگونگی پیدایش و شکل گیری آن،

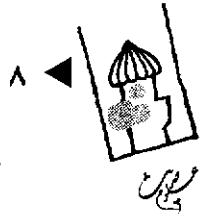
۲. دانش رجال و نحوه ارزشگذاری اسناد،

۳. مصطلحات،

۸. همان، ص ۲۷۶.

۹. همان، ص ۲۷۸.

۱۰. همان، ص ۲۷۹.



۴. معرفی مجموعه های حدیثی شیعه و اهل سنت،

۵. طُرُق تحمل حدیث.

نویسنده، گذشته از اشتباهات و خطاهای جزئی و موردی مقاله، دو مطلب کلان را درباره حدیث بیان می دارد که مورد قبول مسلمانان نیست: یکی آنکه حدیث را بازتاب گسترش اسلام و تأثیرپذیری از فرهنگهای وارداتی و اختلافات فرقه ای دانسته است. او می گوید:

پس از رحلت پیامبر، جامعه و ارتباطات نمی توانست بر صورت اول باقی بماند. از این رو، عالمان به وارد ساختن آنچه با اوضاع جدید همخوانی داشت، همت گماردند و زندگی مسلمانان از تماس فرهنگها رنگ گرفت و این سبب شد:

و سرعان ما آدی هذا بالضرورة إلى وضع الأحادیث، فاستباح الرواة لأنفسهم اختراع احادیث تتضمن القول أو الفعل و نسبوها إلى النبی، لکن تتفق و آراء العصر التالي و كثرت الاحادیث الموضوعية.^{۱۱}

و درباره اختلافات (دومین عامل جعل حدیث) می نویسد:

و في الخلافات الكبرى التي نشأت عن العصبية جری كل فريق على التوسل عجمه، فمثلاً نجد أنه قد نسب إلى النبی قول تنبأ فيه بقیام دولة العباسيين.^{۱۲}

و در پایان می افزاید:

و علی هذا، لا يمكن أن تعد الكثرة الغالبة من الاحادیث وصفاً تاريخياً صحيحاً لسنة النبی، بل هي علی عكس ذلك تمثل آراء اعتنقها بعض اصحاب النفوذ في القرون الأولى بعد وفاة محمد، و نسبت إليه عند ذلك فقط.^{۱۳}

دیگر آنکه وی پرداختن مسلمانان به سند و رجال مسلمانان را امری تبعی و ثانوی دانسته، معتقد است برای آنان متن و ماده حدیث مطرح بود، نه سند و رجال؛ لهذا گروهی محدثی را ثقه می دانستند و گروهی او را ضعیف می شمردند. به تعبیر دیگر، اگر متن را

۱۱. همان، ج ۷، ص ۳۳۲.

۱۲. همان، ص ۳۳۳.

۱۳. همان، ص ۳۳۴.



۹

قبول داشتند و با عقاید و آرای آنها سازگار بود، سند را با وجوه مختلف، صحیح جلوه می دادند و إلاً نه. وی در این زمینه می نویسد:

و كان الحكم على محدث يختلف باختلاف وجهة نظر كل طائفة او فرقة معينة، و نشأ عن هذا خلافات مرة، و ينبغي أن نذكر في هذا المقام أن مادة الحديث المروي كانت في الواقع أصل التنازع، و إذا كانت الثقة بالمحدثين هي محل النزاع، فالغالب أن ما في موضوع الحديث من هوى، هو الذي كان يثير المعارضة دائماً، فالحكم النهائي لم يكن مقصوداً به قيمة المحدث، وإنما كان المقصود به الحكم على مادة الروايات التي يرويها.^{۱۴}

- السيرة، نوشته لوی دلایویدا (Levi Dellavda)

نویسنده در این مدخل به دو مسئله پرداخته است: یکی، تعریف سیره و دیگری، بحث درباره کتب سیره و مغازی. در تعریف سیره پیامبر تناقضها و ناسازگارهای بسیار به چشم می خورد که مورد قبول مسلمانان نیست. از یک سو، مغازی و سیر را استمرار و تطوّر پدیده «ایام العرب» در جاهلیت می داند که برای امرا و فرماندهان ترسیم می گشت و از سوی دیگر، نسخه برداری از شخصیت موسی (ع) و عیسی (ع)، که گذشته از تناقض و ناسازگاری، هیچ کدام مقبول نیست.

فلیست هذه المغازی إلا استمراراً أو تطوراً لایام العرب.^{۱۵}

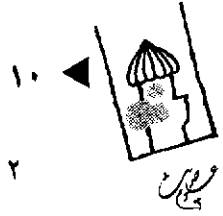
إن هذه السيرة يرجع أصلها إلى التحول الذي طرأ على شخصية محمد في ضمير المسلمين الديني وإلى الأثر الحاسم الذي أحدثته عناصر مختلفة يعينها في هذا التحول، وإلى شيء آخر فوق هذا كله، وهو إن احتكاك المسلمين باليهودية و المسيحية و رغبتهم في أن يضعوا منشاء الإسلام في كفة منشاء هذين الدينين قد شجعاهم على وضع تلك القصص التي حاطوا بها شخص النبي.^{۱۶}

این مدخل با نقدهای عالمانه امین الخوللی همراه شده است.

۱۴. همان، ص ۳۳۶.

۱۵. همان، ج ۱۲، ص ۴۴۴.

۱۶. همان، ص ۴۴۶.



۲. دراسات محمدية، [يا درس في الاسلام]، گلدزبهر، ج ۲.

این کتاب در سال ۱۸۸۹ و ۱۸۹۰ م، منتشر شد.

جلد دوم این اثر مربوط به حدیث است. عبدالرحمن بدوی درباره این بخش

می نویسد :

مهم تر و جدی تر از این، بخش دوم کتاب است. در نیمه اول آن بهترین

تحقیقات در زمینه حدیث وجود دارد که مقدمه و پیش درآمدی بر سلسله

تحقیقات مهم بعدی است که تاکنون نیز ادامه دارد.^{۱۷}

ظاهراً ترجمه عربی این کتاب در مصر منتشر شده، ولی نگارنده بر آن دست نیافته

است؛ اما فصولی از آن در مجله کلیة الدعوة الاسلامیة در لیبی، ش ۳-۸ و ۱۳ به عربی

ترجمه و منتشر شده است.

همچنین در همان مجله، آقای صدیق بشیر نصر دو نقد بر آن نوشته است (شماره های ۳ و ۸).

۳. العقيدة و الشريعة في الإسلام، اجناس جولد تسهیر.

نقله الى العربية و علق عليه: د. محمد يوسف موسى - د. علی حسن عبدالقادر -

الاستاذ عبدالعزیز عبدالحق، مصر: دارالکتب الحديثة، الطبعة الثانية، ۴۰۷ ص.

این کتاب در شش بخش سامان یافته است: محمد(ص)، تطور الفقه، نمو العقيدة و

تطورها، الزهد و التصوف، الفرق، و الحركات الدينية الاخيرة.

آنچه از این بخشها به حدیث مربوط می شود، مباحثی است که در بخش دوم، یعنی

تطور الفقه بازگو شده است. نویسنده در لابلای این مبحث، دو نکته را درباره حدیث

مطرح می کند که قابل پذیرش برای مسلمانان نیست. اول آنکه وی حدیث را بازتاب

عادات و رسوم و نیز اختلافات مذهبی می داند.^{۱۸}

همچنین درباره فقه می نویسد :

و من السهل ان يفهم ان وجهات نظرهم في النقد ليست كوجهات النظر عندنا،

۱۷. فرهنگ کامل خاورشناسان، ص ۳۳۳.

۱۸. العقيدة والشريعة في الإسلام، ص ۴۹-۵۰.



تلك التي تجد لها مجالاً كبيراً في النظر في تلك الأحاديث التي اعتبرها الفقه الاسلامي صحيحة غير مشكوك فيها، ووقف حيالها لا يحرك ساكناً.^{۱۹}

در پایان، یادآوری می شود این کتاب با عنوان درسهایی درباره اسلام، توسط دکتر علینقی منزوی ترجمه و در سال ۱۳۵۷ ش، چاپ دوم آن از سوی انتشارات کمانگیر تهران منتشر شده است.

همچنین استاد محمد غزالی مصری بر این کتاب نقدی با عنوان دفاع عن العقيدة والشريعة ضد مطاعن المستشرقين دارد که صدر بلاغی آن را با نام محاکمه گلدزیهبر صهیونیست (نویسندگان بیست و سه سال) به فارسی برگردانده و انتشارات حسینیة ارشاد در سال ۱۳۶۲ ش، آن را به چاپ رسانده است.

۴. اصول الشريعة المحمدية (The Origins Of Muhammdan Jurisprudence).

این کتاب به زبان انگلیسی است و تاکنون به عربی ترجمه نشده است. دکتر محمد مصطفی الاعظمی نقدی بر این کتاب، با عنوان «المستشرق شاخت و السنة النبوية» نگاشته که در کتاب منابع المستشرقين في الدراسات العربية الاسلامية به چاپ رسیده است.

۵. الاحاديث القدسية و الاحاديث النبوية في الإسلام، ویلیام البرت گراهام.

این کتاب رساله دکتری نویسنده است که در دانشگاه هاروارد آمریکا در سال ۱۹۷۳ م، از آن دفاع کرده و در سال ۱۹۷۵ م، آن را به چاپ رسانیده است. عزیه علی طه در مجله الشريعة کویت، سال ۸، شماره ۲۱، سال ۱۴۱۴ ق، نقدی بر این کتاب با عنوان «صور من افتراءات المستشرق جراهام علی الاحاديث القدسية» به چاپ رسیده است.

ناقد، متن انگلیسی را دیده و آن را مبنا قرار داده است.

۶. ملاحظات نقدية عن القيمة التاريخية لاقدام ما روى من السنة عن شؤون الرسول، الامير کایتانی.

این مقاله در مجموعه «حوليات الاسلام»^{۲۰} (Annali DELL'Islam)، جلد اول،

۱۹. همان، ص ۵۰.

۲۰. اصول الفقه، ص ۴۵.



به چاپ رسیده است. وی نخستین فردی است که مسئله نقد متن را مورد توجه قرار داده و در این مقاله بدان پرداخته است.^{۲۱}

ب. منابع دربارۀ^{۲۲}

۱. المستشرقون و مصادر التشريع الاسلامی، د. عجیل جاسم السنحسی، الکویت: الطبعة الاولى، ۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م.

نویسنده این کتاب، پس از یک مقدمه، دیدگاه مستشرقان را دربارهٔ مصادر و ادلهٔ شرع در شش فصل به بحث می‌گذارد. فصل یک به قرآن اختصاص دارد، و فصل دوم به سنت، فصل سوم اجماع، فصل چهارم قیاس، فصل پنجم ادلهٔ مورد اختلاف را مورد بحث قرار می‌دهد و در فصل ششم، با عنوان مصادر مادی، از عرف و رای قضات و فقیهان بحث می‌کند.

موضوع فصل دوم کتاب به مسئله مورد بحث این مقاله اختصاص دارد.

نویسنده، عمدتاً دیدگاه‌های گلدزیهر و شاخ را در سه حوزهٔ تعریف حدیث و سنت، تدوین حدیث و وضع کتاب و مسئله جعل حدیث مورد نقد قرار می‌دهد.

۲. الاسلام في تصور الغرب، د. محمود حمدي زقزوق، قاهرة: مكتبة وهبة،

۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م، ۲۰۰ ص.

۲۱. ده جلد از این مجموعه منتشر شده و بر اساس حوادث تاریخ صدر اسلام تنظیم شده است. جلد

دهم به حوادث سالهای ۳۶-۳۷ می‌پردازد (المستشرقون، ج ۲، ص ۴۲۹-۴۳۰).

۲۲. نباید از نظر دور داشت که بسیاری از کتابهای تدوین شده دربارهٔ تاریخ تدوین حدیث و کتابت آن و نیز

نقد متن و منهج نقد، در این نیم قرن، متأثر از شبهات مستشرقان و به منظور نقد نظریات آنها تألیف

شده است، گرچه در عنوان کتابها از واژه‌های استشراق و مستشرق استفاده نشده است؛ لذا کسی که

می‌خواهد به نقد دیدگاه خاورشناسان در زمینهٔ مباحث حدیثی بپردازد باید دو گونهٔ تحقیق و تألیف را

از نظر دور ندارد. برای آگاهی از این آثار در زمینه نقد متن، ر. ک: فصلنامه علوم حدیث، ش ۱۵،

ص ۱۴۴-۱۸۵، مقاله «ماخذشناسی نقد محتوایی حدیث».



فصل سوم و چهارم این کتاب (ص ۷۷ - ۱۹۶) با عنوان «سیره الرسول في تصورات الغربيين» به این مسئله می پردازد.

نویسنده، دیدگاه مستشرقان را به ترتیب طبقات آورده و مورد نقد قرار داده است.
۳. السيرة النبوية و اوهام المستشرقين، عبدالمعال محمد الجبري، قاهرة: مكتبة وهبة، الطبعة الاولى، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م، ۱۷۸ص.

این کتاب در چهار فصل تنظیم شده است: فصل اول، «اسلوب المستشرقين و حقدهم»؛ در این فصل از انگیزه های نادرست مستشرقان و چگونگی شکل گیری خاورشناسی سخن به میان آمده است.

در فصل دوم، «مترجموا القرآن و كتب السيرة»، به خاورشناسانی که به ترجمه قرآن و نوشتن سیره روی آورده اند اختصاص دارد و از انگیزه ها و علل اهتمام آنان بحث می کند و در هر یک از دو حوزه، مستشرقانی که به موضوع پرداختند معرفی شده اند.
عنوان فصل سوم کتاب، «الشبهات المشتركة بين المستشرقين» است که در آن هفت ایراد خاورشناسان را به بحث می گذارد؛ مطالبی چون انکار اصالت قرآن، تشکیک در داستانهای قرآنی و ...

در فصل پایانی کتاب، دیدگاههای دو تن از مستشرقان به نام سیدیو و لامانس مورد نقد و تحلیل قرار می دهد.

۴. المستشرقون و السيرة النبوية [بحث مقارن في منهج المستشرق البريطاني المعاصر مونثغومری وات]، د. عمادالدین خلیل، الدوحة: دارالثقافة، ۱۴۱۰ق / ۱۹۸۹م.

نویسنده، پس از مقدمه ای طولانی، با اشاره به سخن مستشرقان درباره سیره، کتاب وات (محمد في مكة) را مورد نقد و تحلیل قرار می دهد.

نویسنده می گوید که در این کتاب دو گونه نقص روشی به چشم می خورد؛ از یک سو، جانب نقد و نفی را چنان شدت بخشیده که درباره بسیاری از مسلمات تاریخی تشکیک روا داشته است و از دیگر سو، پیش فرضهایی برای خود منظور داشته که مطالب



مشكوك را به صورت جزمی و قطعی ارائه می کند.

این امور باعث می شود که هیچ مستشرقی نتواند سیره را تحلیل کند و از انحراف دور بماند، گرچه از اطلاعات فراوان برخوردار باشد و انگیزه های معتدل داشته باشد و ... در هر حال، گرفتار لغزش عمدی یا خطایی خواهد شد که با روح سیره و یکپارچگی اش نمی سازد.

۵. المستشرقون والسنة، د. سعد المرصفي، الكويت: مكتبة المنار الاسلامية - بيروت: مؤسسة الرمان، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۴م، ۸۰ ص.

این کتاب در سه فصل تنظیم شده است. در فصل نخست، با عنوان «أضواء على الاستشراق والمستشرقين»، از شکل گیری انگیزه ها و ایرادهای مستشرقان سخن می گوید. در فصل دوم، با عنوان «شبهات حول مفهوم السنة و تدوینها»، دیدگاههای خاورشناسان را در تعریف سنت، کتابت و تدوین آن را نقد کرده و در فصل سوم، با عنوان «جهالات حول السند و المتن»، دیدگاه مستشرقان را درباره اسناد و علم رجال و نیز نقد متن به نقد می کشد. ۶. تاریخ تدوین السنة و شبهات المستشرقين، د. حاکم عسیان الطیری، الكويت: جامعة الكويت، ۲۰۰۲م، ۲۱۲ ص.

این کتاب در سه فصل سامان یافته است. فصل نخست، با عنوان «السنة و مراحل تدوینها» از کتاب حدیث، جمع و تدوین، تصنیف حدیث و پیدایش موسوعه های حدیثی سخن می گوید. فصل دوم، با عنوان «آراء المستشرقين حول تدوین السنة و مناقشها»، دیدگاه چهارتن از مستشرقان (مویر، گلدزیهر، شاخت، و روسبون، را در این زمینه به بحث می گذارد.

مویر معتقد است قبل از نیمه قرن دوم، مکتوب حدیثی در میان مسلمانان وجود نداشت. گلدزیهر بر آن است که احادیث رواج داشته در دوره اموی ارتباطی به فقه ندارد، بلکه مربوط به زهد، اخلاق و آخرت و سیاست است.

شاخت درست دانستن حتی یکی از احادیث فقهی را دشوار می داند؛ چرا که آنها



پس از نیمه قرن دوم در دست مردم قرار گرفته است.

رویسون نیز بر این عقیده پای فشرده که ساخت اسناد حدیثی در قرن دوم صورت گرفته و آنها را به افراد سرشناسی نسبت داده اند تا مورد پذیرش و رواج قرار گیرد.

نویسنده، این چهار ایراد را مورد نقادی قرار داده و عالمانه از آنها پاسخ می گوید.

و فصل سوم نیز، با عنوان «کتب احادیث الأحکام و مراحل تطوّرها»، به بررسی سیر نگارش کتب حدیثی فقهی اختصاص دارد.

۷. الاستشراق دراسات تحليلية تقويمية، د. محمد عبدالله الشقاوی، دارالفکر

العربی، ۱۹۹ ص.

این کتاب دارای بخشهایی است که دو قسمت آن با عنوان «المستشرقون والسنة المطهرة» و «المستشرقون و سيرة الرسول (ص)» (ص ۱۲۰ - ۱۴۸)، به مسئله خاورشناسی و حدیث می پردازد.

نویسنده در این بخش از کتاب، دیدگاه خاورشناسان را بر اساس مصادر اصلی آورده و نقد کرده است.

۸. حدیث پژوهی (مجموعه مقالات)، دفتر یازدهم، مستشرقان و حدیث، مرکز تحقیقات دارالحدیث، زمستان ۱۳۸۰، ۴۵۷ ص.

در این مجموعه، یازده مقاله به زبان عربی در زمینه حدیث و مستشرقان گرد آمده است. سه مقاله آن (شماره ۴، ۶، ۸)، ترجمه سه فصل از کتاب دراسات محمدیه از گلدزیهر است. این کتاب در دو بخش منابع اصلی معرفی شد.

دو مقاله (پنجم و هفتم) تعلیقه هایی است که صدیق بشیر نصر بر دو فصل ترجمه شده از کتاب دراسات محمدیه نگاشته است.

به جز این پنج مقاله، مقالات دیگر این مجموعه بدین شرح است:

۱. موقف الاستشراق من السنة والسيرة النبوية، د. اکرم ضیاء العمری،

۲. منهج المستشرقین فی دراسة الحدیث النبوی، د. احمد نصری،



۳. من افتراءات المستشرقين على احاديث التوحيد، د. عزية طه،
۴. صورت من افتراءات المستشرق جراها على الاحاديث القدسية، د. نحويه على طه،
۵. الرسالة المحمدية في المؤلفات الغربية (الحلقة الاولى)، د. محمد حمدي زقروق،
۶. الرسالة المحمدية في المؤلفات الغربية (الحلقة الثانية)، د. محمد حمدي زقروق.
۹. المستشرق شاخت و السنة النبوية، د. محمد مصطفى الاعظمي، اين مقاله در كتاب *مناهج المستشرقين في الدراسات العربية*، تونس: المنظمة العربية للتربية و الثقافة و العلوم به چاپ رسیده است.

دکتر اعظمی در این مقاله دو اثر شاخت، یعنی المدخل إلى الفقه الاسلامی و اصول الشريعة المحمدية را به نقد می کشد؛ چرا که آثار و دیدگاههای شاخت بر بسیاری از خاورشناسان و غیر خاورشناسان اثر گذاشته است.

به عقیده اعظمی، شاخت در این آثارش ریشه های شریعت اسلامی را از بن می کند؛ چرا که معتقد است شریعت بیرون از دین قرار دارد.

إن القانون (ای الشريعة) تقع إلى حد كبير خارج نطاق الدين.^{۲۳}

دکتر اعظمی به پاسخ از این شبهه و ایراد می پردازد.

۱۰. المستشرقون و السيرة النبوية، د. عمادالدين خليل، اين مقاله در كتاب *مناهج المستشرقين في الدراسات العربية* به چاپ رسیده است.
- این مقاله بلند، نقد دیدگاههای مونثگومری وات، خاورشناس انگلیسی، درباره سیره نبوی است.

نویسنده، نخست مبانی بحث را با عنوان «ملاحظات أساسية» بازگفته و سپس به تحول موضع غربیان نسبت به سیره می پردازد و در پایان، در دو بخش، دیدگاههای آنان را نسبت به پیامبر مورد نقادی قرار می دهد.



دو. مسئله شناسی

در اینجا به معرفی مهم ترین محورهای مورد مطالعه، ایراد و نقد خاورشناسان در حوزه حدیث، به صورت فهرست وار می پردازیم:

۱. حدیث، بازتاب تعامل فرهنگهای جدید با فرهنگ مسلمانان و بازتاب منازعات فرقه ای است.

این سخن نخست در نوشته های گلدزیهر^{۲۴} طرح شده و سپس در دایرة المعارف الاسلامیة راه یافته است.^{۲۵}

۲. سیره، استمرار «ایام العرب» و نیز نسخه برداری مسلمانان از شخصیت حضرت موسی (ع) و عیسی (ع) است.

این مطلب در دایرة المعارف الاسلامیة، مدخل سنت، طرح شده است.^{۲۶}

۳. کتابت حدیث، پیش از نیمه دوم قرن دوم سابقه نداشته است.

مویر، مدعی این مطلب است.^{۲۷}

۴. حدیث صحیح فقهی کمتر یافت می شود و از نیمه قرن دوم ساخته شده است.

این مطلب به گونه ای دیگر نیز طرح می گردد که پیامبر و صحابه اهمی به تشریح و قانون نداشتند، بلکه اینها خارج از حوزه دین قرار دارد.

این سخن را ساخت مطرح نموده است.^{۲۸}

۵. احادیثی که در دوران بی امیه رواج داشت، مربوط نبود به فقه، بلکه با اخلاق،

۲۴. العقیة والشریعة، ص ۵۰.

۲۵. دایرة المعارف الاسلامیة، ج ۷، ص ۳۳۲.

۲۶. همان، ج ۱۲، ص ۴۴۴ و ۴۴۶.

۲۷. تاریخ تدوین السنة و شبهات المستشرقین، ص ۱۱۱.

۲۸. مناهج المستشرقین فی الدراسات العربیة الاسلامیة، ج ۱، ص ۶۸-۶۹؛ تاریخ تدوین السنة و

شبهات المستشرقین، ج ۱، ص ۱۱۱.



زهد و سیاست در ارتباط بود این سخن را گلدزیهر و شاخه مطرح کرده‌اند.^{۲۹}
 ۶. احادیث توحید را مسلمانان از یهود اخذ کرده‌اند. این سخن از گیوم است.^{۳۰}
 ۷. احادیث قدسی، سخنان پیامبر است که گاه به ایشان منسوب می‌شود و گاه به خداوند.

این مطلب را البرت ویلیام گراهام در پایان نامه دکتری اش - که در همین زمینه تحریر کرده - مدعی شده است.^{۳۱}

۸. اسناد احادیث را مسلمانان در قرن دوم ساخته و پردازش کرده‌اند. روسبون مدعی این مطلب شده است.^{۳۲}

۹. مسلمانان به نقد متن اهتمام نداشته و تمام توجه خود را صرف سند کرده‌اند. کایتانی و شاخه بر این عقیده‌اند.^{۳۳}

۱۰. در کنار بحثهای نظری که خاور شناسان طرح کرده‌اند، کارهای تصحیحی، تبویبی و معجم نگاری نیز در حوزه حدیث داشته‌اند که می‌توان از این عناوین یاد کرد:

المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی، التوحید (ماتریدی)، المدخل إلى علم الحدیث (نیشابوری)، مفتاح كنوز السنة و ...

اینها مهم ترین دیدگاههایی است که طی بیش از یک قرن از سوی خاورشناسان با انگیزه‌های متفاوت طرح شده است.

به نظر می‌رسد مجموعه این آرا و ایرادها دو بازتاب در جهان اسلام داشته است:

۲۹. تاریخ تدوین السنة و شبهات المستشرقین، ص ۱۱۱.

۳۰. «من افتراءات المستشرقین علی احادیث التوحید» د. عزیه طه، مجلة الشریعة، کویت، س ۶ (۱۴۰۹ق)، ش ۱۳، ص ۵۰-۵۱.

۳۱. «صور من افتراءات المستشرق جراهام علی الاحادیث القدسیة»، د. عزیه طه، مجلة الشریعة، کویت، س ۸ و ۱۴۱۴ق، ش ۲۱، ص ۳۱۱.

۳۲. تاریخ تدوین السنة، ج، ص ۱۱۱.

۳۳. اصول الفقه، شاخه، ص ۶۴-۶۵.



۱. این حرکت، جنبشی را در میان محققان مسلمان ایجاد کرده که طی پنجاه سال اخیر، قریب به صدها کتاب در موضوعات مختلف حدیث پژوهی تالیف کردند. از میان آن موضوعات می توان به این موارد اشاره کرد: تدوین و کتابت حدیث، نقد متن، پاسخ به خاورشناسان و

از این گذشته، بارزترین اثری که می توان از آن نام بُرد، اعتقاد یافتن محققان اهل سنت به کتابت حدیث در زمان پیامبر و صحابه است. با اینکه پیشینیان از اهل سنت بر عدم کتابت و ممنوعیت آن در قرن اول تأکید می ورزیدند، اما آنگاه که کلیت حدیث را در مخاطره دیدند، از پاره ای تعصبها دست کشیده و بر برخی از حقایق اذعان کردند.

البته، بی گمان، این مقدار جنبش و حرکت کافی نیست، بلکه تلاشهای جدی تر، بویژه، در حوزه حدیث شیعه لازم است که امید می رود پژوهشگران به صورت جدی بدان پردازند.

۲. دومین بازتاب آن، تأثیر منفی و انفعالاتی است که دامنگیر برخی محققان شده و در حد افراطی اش به انکار حدیث منجر شده است. گفته می شود دیدگاههای برخی از پژوهشگران مسلمان در زمینه حدیث چون احمد امین، رشید رضا، توفیق صدقی و ابوزریه، تحت تأثیر این فضا شکل گرفته است؛ چنانکه شکل گیری گروههایی مانند القرآن یون را نیز باید ناشی از نظریات خاورشناسان دانست.

اینک با گذشت بیش از یک قرن از طرح این مسائل از سوی خاورشناسان و ورود پژوهشگران مسلمان به وادی تحقیق و پژوهشهای این چنین، سرعت، گستردگی و تعمیق مسائل ریشه ای در حوزه حدیث بیشتر احساس می شود و بی شک باید به رشته «فلسفه علوم حدیث» - که به بنیادی ترین مسائل حدیث می پردازد - جدی تر روی می آورد.